

موصل، بغداد، تبریز، یزد، کرمان، کویر مرکزی ایران برای رسیدن به هرمز عبور کرده است.^۱ مارکوپولو سپس از طریق شمال کرمان به داخل ایران سفر کرده و راهش را تا رسیدن به چانگ - تو در چین ادامه داده است.

۳

اودوریک دوپوردانون

اودوریک دوپوردانون در ۱۲۸۶ در سی‌وی‌دال چشم به جهان گشود، خانواده‌اش نظامی و اصلشان چک بود. آن سرزمین تحت فرمان اوتوکار دوم پادشاه بوهم بود، که در این شهر انبار مهماتی داشت.

اودوریک تحصیلات خود را در اودین انجام داد و مصمم شد مبلغ مذهبی در نقاط دوردست شود، لذا بر آن شد که انجیل را به آسیا برد. پاپ ژان بیست و دوم که می‌خواست مبلغین خود را در مغولستان، ایران و چین تقویت کند، اودوریک عضو فرانسیسکن‌های تعیین شده گردید. سفرش ۱۲ سال طول کشید. در ۱۳۳۰ به اروپا بازگشت، لیکن رنجهای بی‌شمار سفر وی را بیمار کرد. در پوردانون مستقر شد و خاطرات خود را به یکی از همکارانش به نام گیوم دوسولانیا دیکته کرد و به سال ۱۳۳۱ درگذشت.

اودوریک در ۱۳۱۸ از پادو سفرش را آغاز کرد و به قسطنطنیه رفت. با عبور از دریای سیاه در طرابوزان پا به ساحل گذاشت و به سوی هرمز رهسپار گردید. ارزروم، تبریز و سلطانیه را بازدید کرد (هنگامی که در ۱۳۱۸ به سلطانیه رسید، پاپ ژان بیست و دوم استغف‌نشینی در این شهر برقرار کرده بود). توضیحات جالبی درباره سلطانیه توسط باریه دومینار در یادداشتی برای ما مانده است؛^۱ سپس به قم، کاشان، یزد، شیراز، استخر، اهواز و هرمز رفته و از آنجا با کشتی به هندوستان عازم گردید. در این سفرها به دیدار سیلان، سوماترا، بورنئو و جاوا موفق شده. بعد به

^۱ «مارکوپولو وقتی هرمز را دیدار کرده، که به دربار غویلی‌خان مراجعت می‌کرده است که بایستی حدود سال ۱۲۹۲ باشد زمانی که کوگاترا شاهزاده مغولی را همراهی می‌کرده تا به دربار ایران برساند»؛ پوتیه، کتاب مارکوپولو، پاریس، ۱۸۶۵، صفحات ۸۵-۸۶.

۱. سفر در آسیا در قرن چهاردهم به وسیله برادر اودوریک دوپوردانون، پاریس ۱۸۹۱، صفحه ۳۱.

شرق بازگشته و سه سال در خان‌بالتی سکونت کرده که پایتخت خان تاتارها بوده است. ضمن بازگشت به اروپا بخش بزرگی از تبت و ترکستان را دیدار کرد. چون بیشتر سفرهایش در کشتی گذشته، اشاره چندانی به روابطش در خشکی ندارد.

۴

لودویک دو وارتما

زندگینامه:

حدود ۱۴۸۰ در بولونی به دنیا آمد، در بولونی، ژن و ونیز درباره پروتکنی^۱ دانشی که در آن روزگار چندان پیشرفتی نکرده بود تحصیل کرد. در ۱۵۰۱ به شرق رفت؛ در دمشق عربی آموخت، خود را مسلمان وانمود کرد و به کاروان زوارانی ملحق شد. به مکه رفت در مراسم حج شرکت جست و تمام اعمال حج مسلمانان را تماشا کرد. وی اولین اروپایی است که به مکه نفوذ کرده است. او بالاخره شناخته شد و مجبور گردید شهر مقدس را ترک گوید. داخل کاروانی دیگر شد به هند رفت.

در کلکنه، شاهزاده مسلمانی که می‌خواست با پرتغالیها بجنگد خواست از معلومات نظامی وی استفاده کند، به این ترتیب از وارتما تقاضا کرد برایش توپ بسازد. لیکن چون او نمی‌خواست به زیان مسیحیان کاری کند از آنجا گریخت و در کاناور به پرتغالیها ملحق شد، و اطلاعاتی که به آنان داد موجب پیروزی پرتغالیها گردید. برای بازگشت به اروپا، دماغه امیدنیک را انتخاب کرد. در موزامبیک، ماداگاسکار، سنت هلن توقف کرد. در ۱۵۰۸ به لیسبون رسید و به جهت خدماتش شوالیه شد.

خط سیر:

وارتما در ۱۵۰۱ به اسکندریه رفت. بعد از بازدید قاهره، بیروت، تری پولی و دمشق به مکه

1. Pyrotechnie

و سپس جده رفته با کشتی بازرگانی به یمن، عدن و ایران آمد. از هرمز این انبار مهم تجارتهای به هرات و سپس به هند رفت.

وسيله سفر:

مانند تمام مسافران آن دوران لودویک دووآرتما از کشتی و اسب برای سفر استفاده می‌کرد.

هدف سفر و وضع مالی:

وآرتما جهانگردی ماجراجو بود و بدون نقشه قبلی عازم می‌شد، مخارجش را از مکنت شخصی تأمین می‌کرد. و آرتما، مبلغ مذهبی، تاجر، سیاستمدار و دانشمند نبود و فقط به خاطر دلش و فراگیری چیزهای ناشناخته سفر می‌کرد، همان‌گونه که به دوست ایرانی‌اش گفته: «بدانید که من برای سودجویی جهانگردی نمی‌کنم، هدف من از سفر، لذت بردن و آموختن است»^۱.

آنتوان شرلی

زندگینامه:

این جهانگرد انگلیسی در ویستون به سال ۱۵۶۵ زاده شد. آنتوان شرلی متعلق به یک خانواده اشرافی بود. پس از اتمام تحصیلاتش در دانشگاه اکسفورد، به اسلحه‌سازی پرداخت و در هلند به جنگ رفت. در ۱۵۹۶ کنت اسکس وی را مأمور جنگی در جزایر اسپانیولی امریکای جنوبی کرد و بالاخره مأمور ایران شد تا شاه‌عباس را مصمم کند وارد اتحادیه‌ای علیه امپراتوری عثمانی شود. لذا به سوی ایران رهسپار گشت. وی در ۲۴ مه ۱۵۹۸ با بیست و پنج نفر دیگر به راه افتاد، برادرش روبرت شرلی ریخته‌گر توپ بود.^۱

در ایران از طرف شاه که برایش پیشکشهای گرانبهایی آورده بود پذیرفته شد. به شاه‌عباس اظهار داشت هدفش از این مسافرت عرضه خدماتش به شاه است. طرحهایش خوشایند شاه بود، خیلی زود الطاف شاهانه شاملش گردید و سنیر فوق‌العاده دربار ایران نزد تمام شاهزادگان مسیحی گشت.

برادر و پنج تن از همراهانش را در ایران گذاشت و برای عقد قرارداد با امپراتور رودلف،

۱. طرز نفوذ به دربار شاهان شرق برای اروپاییان عبارت بود از آشنایی به نجوم و به‌ویژه اطلاعات نظامی، که پس از اختراع باروت، تقدم اروپاییان حتمی شد.

آنتوان شرلی و برادرش روبرت به این ترتیب موقعیت نافذی در ایران یافتند و ارتش ایران را سازمان دادند و از همین رو در موفقیت‌های بعدی ایران علیه عثمانیها مشارکت داشتند. به. و. بارتولد مراجعه شود: کشف آسیا، پاریس، ۱۹۴۷، صفحات ۱۲۰-۱۲۵.

پاپ، جمهوری ونیز و پادشاه اسپانیا عازم گردید.

یک ایرانی والامقام، چهار سوار، پنج مترجم و ۳۲ شتر که بارشان هدایا بود هیئت سیاسی وی را تشکیل می‌دادند. پس از سفری دشوار در بحر خزر در استرخان به ساحل رسید و به مسکو رفت. در آنجا با شگفتی متوجه شد که فقط حسین علی‌بک کارمند ایرانی را به رسمیت می‌شناسند، که احتمالاً به جهت دستورات دوک بزرگ بوریس گودونف بوده. در پراک نیز وی را به سردی پذیرفتند. در ونیز از ترس خدشه‌دار شدن روابطشان با ترکیا او را نپذیرفتند. در این حال به رم رفت، آنجا، کلیمان هشتم، به وی وقت ملاقات داد. آنتوان به پاپ قول داد، که در ایران کیش مسیحی آزاد باشد و تا جایی که میسر باشد گرجیها را بازگردانند. با این وجود، رم را در خفا ترک کرد. به وی اتهام زده بودند که برخی از نامه‌های شاه‌عباس را در قسطنطنیه به وزیراعظم داده و مقداری از هدایای شاه برای پاپ را نیز فروخته و نتوانسته به مقصد برساند. به هر حال زندانی شد، لیکن با وساطت دفتر سفیر اسپانیا، آزادی خود را بازیافت.

این واقعه ملزمش کرد تا به اسپانیا برود، در آنجا به درجه آدمیرالی رسید؛ بالاخره می‌اندیشند که حدود سال ۱۶۱۳ درگذشته است.

خط‌سیر:

شرلی از ونیز در ۲۴ مه ۱۵۹۸ به کشتی نشست، به بغداد رسید و از آنجا به ایران رفت و در قزوین شهر بزرگ ایران به مقام سنارت نائل شد. در بازگشت از اصفهان به کاشان، قم، ساوه رفته با عبور از ایالت گیلان در دریای مازندران به کشتی نشست، در استرخان به خشکی پا گذاشت، به سفرش در اروپا از طریق مسکو ادامه داد.

وسيله سفر:

شرلی مانند تمام مسافرن هم‌عصرش از کشتی، اسب، قاطر و شتر استفاده کرده است.

هدف سفر:

آنتوان شرلی مأموریت سیاسی، تجاری داشت. هدفش واداشتن شاه‌عباس به ورود به اتحادیه علیه ترکیه عثمانی بود و همچنین موافقت به تسهیلاتی برای اتباع انگلیسی.

فیگورا (دون گارسیاس دوسیلوا)

زندگینامه:

جهانگرد و دیپلمات اسپانیایی، از خاندان مشهور دوک‌فریاست، در باداخوس به سال ۱۵۷۴ تولد یافت. تحصیلات خود را در همان شهر به پایان رساند و در دربار فیلیپ دوم به سمت حاجب استخدام شد. خیلی زود استعدادش را در جنگ نشان داد و به درجه سروانی رسید و چون برای سیاست هم هوش و فراست داشت و چند زبان می‌دانست به مأموریت‌های خارج گسیل شد. به این ترتیب در ۱۶۱۴ به اسپانیا رفت و همان سال کارش به هند کشیده شد. پرتغالیها به بهانه‌های مختلف وی را مجبور کردند دو سال آنجا بماند. بالاخره در مارس ۱۶۱۷ به سوی ایران حرکت کرد و از اکتبر ۱۶۱۷ تا سپتامبر ۱۶۱۹ در آنجا اقامت گزید.

نزد شاه ایران مأموریتی داشت که در تابستان ۱۶۱۹ شاه‌عباس او را با احترام فراوان در اصفهان پذیرفت. در اوت ۱۶۲۴ به اسپانیا مراجعت کرد. زمانی که در اصفهان بود نامه‌هایی به یکی از دوستانش در اسپانیا می‌فرستاد. این نامه‌ها سپس تنظیم شد و به‌عنوان خاطرات وی منتشر گردید و بعدها به فرانسه نیز ترجمه شد. وی بین سالهای ۱۶۲۴ و ۱۶۲۸ درگذشته است.

خط‌سیر:

دون گارسیاس پس از دو سال توقف در هند به ایران آمد. وی ۱۲ اکتبر به هرمز رسید و بعد لار و شیراز. ۱۸ آوریل ۱۶۱۸ وارد اصفهان شد. ۱۸ مه برای ملاقات شاه‌عباس به قزوین رفت. با

پایان پذیرفتن مأموریتش از همان راهی که آمده بود بازگشت. در کانال موزامبیک با دریای توفانی روبه‌رو شد و بعد از چهار ماه سفر دشوار به اسپانیا رسید.

وسیله سفر:

مانند سایر مسافرین دون گارسیاس، از اسب و قاطر و شتر و کشتی در سفرها استفاده کرده است.

هدف سفر:

دون گارسیاس با عنوان سفیر برای برقراری روابط سیاسی - تجاری به ایران آمده بود. پادشاه اسپانیا مناطقی را در ساحل خلیج فارس و جزیره هرمز را که شاه‌عباس تازه به دست آورده بود تقاضا داشت و علاوه بر آن می‌خواست که تجارت منحصر به اسپانیاییها باشد. مأموریت دوگانه دون گارسیاس در هر دو مورد با شکست روبه‌رو شد.^۱

پدر پاسیفیک دوپرونس

زندگی‌نامه:

مبلغ مذهبی از فرقه کاپوسین است. در ۱۵۷۰ در پرونس به دنیا آمده است. در ۱۶۲۲ پدر پاسیفیک به قسطنطنیه، مصر، بیت‌المقدس رفت؛ هدفش تأسیس صومعه بود. از طریق سیسیل به ایتالیا آمد. در ۱۶۲۷ وی را به حلب فرستادند، دو صومعه بنا نهاد. در ۱۶۲۸ همراه دو تن دیگر از هم‌فرقه‌هایش، به ایران سفر کرد. شاه‌عباس در قزوین وی را پذیرفت. اجازه گرفت صومعه‌ای در اصفهان و یکی دیگر در بغداد بسازد. شاه‌عباس توسط وی نامه‌ای به لویی سیزده پادشاه فرانسه فرستاد. پدر پاسیفیک پس از رسیدن به فرانسه بار دیگر به جزایر آنتیل گسیل شد و در ۱۶۵۳ در پاریس فوت کرد.

خط سیر:

پدر پاسیفیک در ۱۶۲۷ به قصد حلب حرکت کرد و ۵۲ روز بعد به بابل رسید، سپس به قزوین رفت و بعد به اصفهان و در ۱۶۲۸ از آنجا خارج شد؛ توصیه‌هایی از شاه‌عباس گرفته بود. برای تأسیس صومعه به بابل بازگشت. با انجام مأموریتش، پدر پاسیفیک ۸ مارس ۱۶۲۹ بابل را ترک کرد و سیزده روز بعد در حلب بود. از این شهر به اسکندریه عزیمت کرد و سپس از مارس، مالت، سیسیل، نارژن، مونپولیه عبور کرده به پاریس رسید، که در آنجا نامه شاه‌عباس را به لویی

سیزدهم داد.

وسیله سفر:

پدر پاسیفیک از وسایل معمول آن روزگار مانند کشتی، اسب، شتر و قاطر و حتی الاغ که در اصفهان سوار آن می‌شد استفاده کرده است.

هدف از سفر

مأموریت مذهبی که به پدر پاسیفیک سپرده شده بود کمال موفقیت را داشت. وی تقریباً تمام سرزمینهای شرقی را دیدن کرد. زمان مراجعتش به اروپا، اقدام به تبلیغاتی کرد تا در شرق صومعه‌هایی برای فرقه‌اش بنا شود. پس از آنکه برنامه‌اش مورد تأیید مقامات کلیسا و کاردینال ریشیلو قرار گرفت، در ۱۶۲۷ مجدداً به حلب عزیمت کرد و با اجازه شاه‌عباس دو صومعه یکی در اصفهان و دیگری در بغداد ساخت. شارل شفر در وضعیت ایران در ۱۶۶۰ (پاریس، ۱۸۹۰، مقدمه صفحه ۴۱) می‌نویسد: «افتخار به پا کردن اولین صومعه مبلغین مذهبی فرانسوی در ایران به پدر پاسیفیک دوپرونس می‌رسد».

۸

پیر دولاوله

زندگینامه:

۲ آوریل ۱۵۸۶ دولاوله در رم به دنیا آمد. وی در ادبیات تحصیل کرد به عضویت انجمن اومانیتها درآمد که لقب «فانتاستیکو» را به او دادند. به شغل نظامی علاقه داشت، لذا هنگام درگیری بین پاپ پل پنجم با جمهوری ونیز وارد ارتش شد. شکست در عشق موجب شد لباس کلیسا دربر کند و باز لقب دیگری گرفت: «بلگرینو» و سال ۱۶۱۴ به شرق سفر کرد. ضمن سفرش در بین‌النهرین با دختری آسوری ازدواج کرد. هنگامی که در ساحل خلیج فارس همسرش را از دست داد کالبدش را زمان بازگشت به رم تا آنجا با خود برد. در رم سکونت گزید ولی با اخلاق تندش به جایی رسید که مرتکب قتل شد.^۱ بنابراین مجبور شد رم را ترک گفته و مدتی در تبعید به سر برد و در ۲۰ آوریل ۱۶۵۲ درگذشت.

خط‌سیر:

دولاوله ۱۵ اوت ۱۶۱۴ ونیز را ترک گفت به قسطنطنیه و سپس به مصر رفت. از طریق خشکی به سوریه و اورشلیم آمد و به بین‌النهرین و بغداد رسید. برای سفر به ایران و اصفهان راه کاروان‌رو را انتخاب کرد. از کردستان و همدان گذشته در ۲۲ فوریه ۱۶۱۷ به اصفهان وارد شد،

۱. روز مراسم عروج (Aseem Sion) هنگامی که پاپ نیایش می‌کرد در میدان سن‌پیر، دولاوله سورچی را کشت. به ناپل پناهنده شد و چون پاپ ارزش زیادی برای او قائل بود، احضارش نکرد. ۲۰ آوریل ۱۶۵۲ درگذشت. (یادداشت توسط س. اری «بیوگرافی اونیورسل» چاپ تازه، جلد ۲، صفحات ۴۹۰-۴۹۲).

یک سال آنجا ماند. ۴ فوریه ۱۶۱۸ برای سفر به فرح‌آباد به قزوین رفت. ۲ مه در اشرف بود، که به حضور شاه‌عباس رسید. با شاه تا اردبیل همسفر شد. اول اکتبر ۱۶۲۱ به اصفهان بازگشت تا به شیراز رود. از خرابه‌های پرس‌پلیس دیدن کرد و از طریق لار عازم هرمز شد. باکشتی در ۱۰ فوریه ۱۶۲۳ به هند رفت. ۲۸ مارس ۱۶۲۶ به رم مراجعت کرد.

وسيله سفر:

دولواله مانند تمام مسافرين همزمانش از اسب، قاطر، شتر و کشتی برای مسافرت استفاده کرده و بیشتر در کاروانها شرکت می‌جسته است.

هدف از مسافرت:

دولواله انسانی با فرهنگ و کنجکاوی، به دنبال شکست در عشق به جهانگردی پرداخت، تا آشنایی را با زبانها، آداب و رسوم، مذاهب و هنرها توسعه دهد. امید داشت بین هم‌عصرانش با شرح اوضاع سرزمینهای کم‌شناخته شده مورد ارج و قرب قرار گیرد. لیکن، همان‌گونه که در خاطراتش می‌نگارد، هدف اصلی وی مشارکت در جنگهای ایران و عثمانیان بود. با صراحت می‌نویسد:

«باید به شما اقرار کنم، علاوه بر این جوشش که همیشه مرا علیه ترکها برانگیخته و این علاقه بی‌نهایت که از زمان کودکی برای نابودی آنها در خود داشته‌ام به‌ویژه از زمانی که به این سرزمین سفر کردم و سرزمین مقدس را دیدم، مصمم شدم به ایران رفته وارد سپاه شاه شوم، زیرا دائم در اندیشه بودم تا به هر وسیله مقدر در نابودی این ملت گستاخ بگویم و کاری به نفع مسیحیت انجام دهم!».

آدم اولتاریوس

زندگینامه:

متولد ۱۶۰۰ در آسکرسلوین در منطقه آنیالت است. در لیپزیک ادبیات و فلسفه آموخت. به‌عنوان مشاور وارد خدمت دوک دوهولستین گوترپ شد. با تمایل به گسترش تجارت ابریشم، دوک وی را با هیئتی نزد شاه ایران فرستاد. پس از کسب اجازه عبور از روسیه، توسط تزار میشل فدروویچ، اولتاریوس در ۱۶۳۶ همراه با سفرا و سمت منشی‌گری عازم سفر شد. وی افزون بر آنکه حسابدان و ریاضیدان قابل بود، زبانهای روسی و عربی را نیک می‌دانست. پس از بازگشت، کتابدار دوک شد. چندین اثر منتشر ساخت و ۲۲ فوریه ۱۶۷۱ بدرود حیات گفت.

خط‌سیر:

سفرای همسفر اولتاریوس ۲۸ مارس ۱۶۳۶ وارد مسکو شدند. ۱۵ سپتامبر به استرخان رسیده از دریای مازندران گذشتند، که نزدیک بود در دریا غرق شوند. در دربند اولین شهر ایران پا به خشکی گذاشتند. از طریق شماخی، اردبیل، سلطانیه، قزوین، ساوه، قم، کاشان و... سوم اوت وارد اصفهان شده، ۲۱ دسامبر ۱۶۳۷ مراجعت کردند. برگشت از همان راه آمدن بود. ۱۴ آوریل ۱۶۳۸ ایران را ترک کرده و اول اوت ۱۶۳۹ به گوتروپ رسیدند.

وسیله سفر:

مانند دیگران از اسب و کشتی استفاده کردند و برای بار از شتر و گاری.

هدف از سفر:

اولتاریوس منشی سفیر دوک بود که به ایران گسیل شده بود، تا تجارت ابریشم را بسط دهد. بنابراین هدف وی توسعه روابط بازرگانی بوده است.

۱۰

پدر الکساندر رُرد**زندگینامه:**

مبلغ مذهبی فرانسوی بود. در ۱۵ مارس ۱۵۹۱ در آوبینون زاده شده است. خانواده اسپانیولیش، در قرن پانزدهم در کنتای ونیز سکنی گزیده بودند. به سال ۱۶۱۲ وارد فرقه ژزوئیت شد و وی را به هند فرستادند. پس از مدتی طولانی به کشتی نشست و در بهار ۱۶۱۹ به لیسبون رفت و سه سال ماند. بعد در ۱۶۲۳ به موکائورفت و با شور و اشتیاق می‌خواست انجیل را به ژاپن ببرد. یک سال صرف آموختن زبان ژاپنی کرد، لیکن بدبختانه ورود مبلغین مذهبی به ژاپن اکیداً ممنوع بود. لذا به کوشین‌شین رفت و سپس در تونکن اقامت گزید. در آغاز مورد استقبال قرار گرفت و اعتماد شاه را به خود جلب کرد. لیکن خواجه‌های دریاری به وی رشک بردند و او را اخراج کردند. ناگزیر ده سال در موکائو ماند و چندین بار در ایالت کانتن به سفر رفت. در ۱۶۴۰ به کوشین‌شین بازگشت. هنگامی که مسیحیان را می‌گرفتند او نیز محاکمه و به مرگ محکوم شد. سپس محکومیت او تخفیف پذیرفته، برای همیشه اخراج شد. از طریق ایران به اروپا بازگشت. پس از سه سال توقف در رم به پاریس آمد تا هیئتی را برای رفتن به ایران سازمان دهد که موفق شد. چند سال در ایران بود تا اینکه در ۵ نوامبر ۱۶۶۰ درگذشت.

خط سیر:

چون از کوشین‌شین برای همیشه نفی‌بلد شده بود، پدر الکساندر دو رُرد به جاوه رفت و

بالاخره در یک کشتی انگلیسی نشست که به هرمز می‌رفت. سفر دریایی یک ماه به درازا کشید و بالاخره در کامرون، دو فرسنگی هرمز پهلو گرفت. شیراز را دیدار کرد و رهسپار اصفهان شد که ۱۳ آوریل ۱۶۴۸ به آنجا رسید و ۲۸ همان ماه به قصد تبریز به سفر پرداخت. اوایل سپتامبر به ایروان رسید، در ادامه راهش در نخجوان سه ماه توقف کرد. آخر سر با قصد ارزروم ایران را ترک گفت. هنگام رسیدن به رم سه سال در آن شهر ساکن شد. به این ترتیب مأموریتش به نهایت رسید به فرانسه رفت و مجدداً راهی ایران شد و در ۱۶۶۰ مرد.

وسيله سفر:

مانند سایرین، پدر الکساندر دوژد در سفر از اسب، شتر، قاطر و کشتی استفاده کرده است.

هدف سفر:

سفر اولش به شرق که ۳۰ سال طول کشید، هدفی مذهبی داشت و می‌خواست انجیل را در چین، کوشین‌شین و تونکن نشر دهد. دومین سفرش نیز مذهبی بود، ماری لوئیز کن‌زاک ملکه لهستان از دارایش بخشی وقف بنای یک صومعه ززوئیت در اصفهان کرده بود. از طرف مقامات عالی مذهبی وی برای انجام این کار انتخاب گردید.

ژان باپتیس تاورنیه

زندگینامه:

وی در ۱۶۰۵ در پاریس متولد شد، پسر یک فروشنده نقشه جغرافیا اهل آنور بود که به علت اغتشاش در سرزمینش و نیز چون پروتستان بود به فرانسه مهاجرت کرده بود. تاورنیه در بیست و دو سالگی فرانسه، هلند، انگلیس، سوییس، لهستان و ایتالیا را گشته بود. زبان این کشورها را به قدر کافی می‌دانست تا بتواند مترجم شود. نوشته است که در این سن چهار سال و نیم بوده که به‌عنوان حاجب در خدمت ولیعهد بلغارستان بوده است. در محاصره پراگ و جنگ علیه ترکها، داوطلب وارد نظام شده است. در این هنگام با پدر ژوزف که با ریشلیو نزدیک بود آشنا گردید که به وی پیشنهاد سفر به آسیای صغیر به همراهی چند نجیب‌زاده فرانسوی داد. تاورنیه با اشتیاق پذیرفت. در قسطنطنیه همراهانش را ترک گفت و راهی ایران شد و با کاروان تا اصفهان رفت.

به داد و ستد سنگهای قیمتی و پارچه‌های گرانبها پرداخت که مجبورش کرد تا هند برود. در ۶۰ سالگی با دختر گواس جواهر فروش ازدواج کرد. چون فرزندی نداشت برادرزاده‌اش را وارث کرد و باز آماده سفری دیگر شد. وی که به لویی چهارده جواهر فروخته بود توسط وی عنوان نجیب‌زادگی گرفت. هتلی در پاریس خرید که به علت ولخرجیهای برادرزاده‌اش ورشکست شده مجبور به فروش آن شد. به سویس و سپس به برلن رفت که در آنجا مدیر یک کمپانی هندی شد. دیگر بار اقدام به سفر کرد، در مسکو بیمار گردید و در ۱۶۸۷ درگذشت. سرگذشت شش سفرش در ایران پس از وی انتشار یافت.

خط‌سیر:

تاورنیه شش سفر به ایران کرد، گاهی از طریق شمال: ترکیه، گرجستان و گاهی از جنوب: سوریه، بغداد.

اولین سفرش (۱۶۳۰ - ۱۶۳۲) از قسطنطنیه، ارض‌روم، اصفهان؛

دومی (۱۶۳۸ - ۱۶۴۲) از ماری، اسکندریه، حلب، اصفهان؛

سومی (۱۶۴۳ - ۱۶۴۹) از همان راه، حلب، بین‌النهرین تا اصفهان؛

چهارمی (۱۶۵۲ - ۱۶۵۶) حلب، بغداد، بصره، هرمز؛

پنجمی (۱۶۵۷ - ۱۶۶۲) از همان راه دومین سفر؛

ششمین و آخرین سفر (۱۶۶۳ - ۱۶۶۸) در طول دریای سیاه، سپس گرجستان و بالاخره

اصفهان.

وسیله سفر:

در آن روزگار، برای سفر به شرق مسافرن گروههای ده، دوازده نفری تشکیل می‌دادند، زیرا ترس داشتند که مورد حمله قرار گیرند. مع‌ذلک تاورنیه گاهی تنها با یک راهنما به سفر رفته است و گاهی با چند همراه و خدمتکار. به علاوه بیشتر اوقات به کاروانهای مال‌التجاره که اسب و شتر و قاطر داشتند ملحق می‌شده است.

هدف سفر:

در اولین سفرهایش، هدف دیدار کشورهای دوردست بود، لیکن اشتیاقش با غریزه داد و ستدی که داشت مضاعف شد و وی را به سرزمینهای شرق کشاند، و امید داشت که تجارتي شکوفا کند. به این ترتیب بیشتر نزد شاه ایران و خان بزرگ مغول برای فروش سنگهای قیمتی می‌رفت. لذا هدف وی تجارت سنگهای گرانبها و پارچه‌های نفیس بود.

دو لابلوی دو لوگوز**زندگینامه:**

حدود ۱۶۱۰ در بوگه واقع در آنزو زاده شد. در کالج فلش درس خواند، به انگلستان رفت، تا در دستگاه چارلز اول خدمت کند. سپس ایرلند، کینیاگ و شیرهای شمال آلمان را بازدید کرد. پس از بازگشت به پاریس تصمیم گرفت، در شرق به سیاحت پردازد. در رم توفنی کوتاه داشت و از ونیز با کشتی عازم قسطنطنیه شد. از طریق ارض‌روم به اصفهان رفت و مدتی آنجا ماند، سپس به هند رفت و زمانی در گویا و راجپور اقامت گزید. برای مسایل خانوادگی به فرانسه فراخوانده شد. لویی چهاردهم وی را احضار کرده و خواست با لباسی که در سفر به تن داشته حضور برسد. شاه همچنین وی را واداشت که خاطرات سفرش را منتشر کند.

در ۱۶۶۵، دو لابلوی لوگوز، به‌عنوان نماینده کمپانی هند شرقی به ایران آمد، لیکن در اصفهان بیمار شد و درگذشت. طبق گزارش بعضی از نویسندگان، به دستور شاه تشییع جنازه باشکوهی برایش انجام یافته. مع‌ذلک معلوم نیست چرا تاورنیه، از دو لابلوی لوگوز با لحن تحقیرآمیزی سخن گفته می‌افزاید، در هند به وسیله سربازان ایرانی کشته شد.

خط‌سیر:

از ماری برای رفتن به ژن به کشتی نشست. پس از گردش در قسمتی از جزایر یونان و تحسین شگفتیهای قسطنطنیه با کاروانی به ایران رفت. در ۲ نوامبر ۱۶۴۷ به حسن کلا مرز ایران و

ترکیه رسید. سپس به ایروان رفت، از نخجوان و مرند عبور کرده به تبریز رسید. ۲۰ دسامبر از آنجا راهی شد، زنجان، سلطانیه، قم و کاشان را دید. ۲۳ ژانویه ۱۶۴۸ به اصفهان وارد شد. چندی آنجا ماند و سپس به شیراز رفت. در راه پدر الکساندر دوژد را دید و تا شیراز با وی همسفر شد. خرابه‌های پرس پلیس را بازدید کرد، بعد به لار و بندرعباس رفت. از این بندر با کشتی عازم هند شد و با یک کشتی انگلیسی در اول مه ۱۶۴۹ مراجعت کرد. به بصره، حلب، تریپولی و قاهره رفته، بالاخره در ۱۵ فوریه ۱۶۵۰ به سوی رم رفت و پس از آن وارد فرانسه شد...

وسیله سفر:

لابولای دو لوگوز همچون دیگران در سفرها از کشتی، اسب، قاطر و شتر استفاده کرده است.

هدف سفر:

شناسایی دنیا و دانش‌اندوزی هدفش در اولین سفر بود. لیکن برای گسترش روابط بازرگانی بین ایران و فرانسه، کمپانی هند شرقی وی را به ایران فرستاد. در عین حال وی حامل پیامهایی از سوی لویی چهارده برای شاه ایران بود. لذا هدف از دومین سفرش تجارت بود، که با رقابت بین هیئت اعزامی کار به جایی نرسید.

پدر رافائل دومان

زندگی‌نامه:

پسر شارل دوترتر وکیل مان است. ژاک دوترتر مبلغ مذهبی در مان و به سال ۱۶۱۳ متولد شد. در اوان جوانی لباس مذهبی به تن کرد و خود را رافائل دومان نامید. مطالعات جدی به‌ویژه در ریاضی انجام داد.

در ۴ مارس ۱۶۴۴ همراه تاورنیه راهی ایران شد و در اصفهان سکنی گزید. طرف اعتماد شاه‌عباس دوم قرار گرفت. چون زبان فارسی می‌دانست، مترجم و معتمد شاه شد. مدت بیش از چهل سال در مقام عالی صومعه‌های کاپوسن فرانسوی در ایران بود، که از طرف شاه حمایت می‌شد. پدر رافائل دومان، شخصیتی نامدار است و تمام مسافریان از او با احترام یاد می‌کنند. وی نقش بزرگی در تأسیس نمایندگی کمپانی هند شرقی در اصفهان، شیراز و بندرعباس داشت.

پدر رافائل دومان تا پایان زندگیش از اعتماد و پشتیبانی دربار ایران و فرانسه برخوردار بود. برای کولبرکتابی با عنوان: «وضعیت ایران در ۱۶۶۰» نگاشت و نیز اثر دیگری دارد موسوم به: «توصیف دربار و امپراتوری اصفهان». به‌علاوه رساله‌ای در مکالمات فرانسه - ترکی دارد. در اصفهان به تاریخ اول آوریل ۱۶۹۶ در سن ۸۳ سالگی درگذشت.

خط‌سیر:

پدر رافائل دومان، ۴ مارس ۱۶۴۴ همراه با تاورنیه که سومین سفرش بود راهی ایران شد.

از طریق حلب، بین‌النهرین، سوریه به اصفهان آمد و تا پایان عمرش آنجا ماند. در کتابش که برای کولبر نوشته شده، از خط‌سیرش چیزی ننوشته و آنچه به آنها اشاره دارد برای جلب توجه وزیری است تا روابط تجاری را گسترش دهد. شاید به علت شغلش که مترجم و رئیس صومعه‌ها بوده، هرگز نتوانسته از اصفهان خارج شود.

وسیله سفر:

مسلم است وقتی با تاورنیه همسفر بوده، از وسایلی مشابه وی استفاده کرده است.

هدف سفر:

پدر رافائل دومان در مقام عالی صومعه‌های کاپوسن در ایران که توسط پدر پاسیفیک بنا شده بود کار می‌کرد، واضح است هدفش تبلیغ مذهبی بوده است.

ژان دو تونو

زندگینامه:

۱۶ ژوئن ۱۶۳۳، ژان دو تونو در پاریس متولد شد. در کالج ناوار درس خواند. ماجرای سفرها وی را علاقه‌مند به مسافرت کرد. پس از مرگ پدرش، آزاد و ثروتمند بود، لذا به آرزویش جامعه‌عمل پوشاند و به سال ۱۶۵۲ راهی شد. انگلیس، هلند، آلمان، ایتالیا، قسطنطنیه و مصر را دید. پس از این مسافرت‌ها در ۱۶۵۹ به پاریس برگشت. ژان دو تونو که هنوز حریص سیاحت بود، در ۱۶ اکتبر ۱۶۶۳ از ماریس به کشتی نشست تا به ایران برود. پرس‌پلیس توجه وی را جلب کرد. سپس به هند و ژاپن رفت و باز به ایران آمد. در تصادفی زخمی شده بود، برای درمان به اصفهان رفت بالاخره عازم اروپا شد ولی مرگ ناگهانش به سفرها پایان داد.

خط‌سیر:

۲۴ ژانویه ۱۶۶۴ ماریس را ترک کرد. در فوریه به اسکندریه رسید، همراه کاروانی شد که به موصل می‌رفت. در اوت ۱۶۶۴ در بغداد بود. از طریق کردستان و همدان وارد ایران گردید و بالاخره در اکتبر ۱۶۶۴ به اصفهان رسید. از آنجا در ۲۴ فوریه ۱۶۶۵ همراه تاورنیه با کاروانی که به شیراز می‌رفت همسفر شدند. ۶ مارس به مقصد رسیدند و پانزده روز بعد، از آن شهر خارج شدند. تونو از کاروان جدا شد و با راهنمایی به طرف بندرعباس رفت زیرا می‌خواست به هند برود. لیکن

به مشکلات زیادی برخورد کرد، لذا برگشت و تابستان را در شیراز سپری نمود. مجدداً به راه افتاد. بصره و بحرین را بازدید کرد. سرانجام در نوامبر ۱۶۶۵ توانست به هلند عزیمت کند. پس از یک سال اقامت در این سرزمین به ایران آمد و مرگ مهلتش نداد تا مسافرتیاش را به پایان برد.

وسیله سفر:

وی نیز از وسایل سفر آن روزگار: اسب و کشتی استفاده کرد و بیشتر در کاروانها بود.

هدف سفر

خواندن ماجرای جهانگردان وی را علاقه‌مند به مسافرت کرد. ثروتی که به او امکان آزادی کامل را می‌داد، به وی سیاحت را اجازه داده بود. تصمیم گرفت به کشورهای دوردست سفر کند. بنابراین هدفش ارضای کنجکاویهایش به شمار می‌آید.

ژان شاردن

زندگینامه:

۱۶ نوامبر ۱۶۴۳ در پاریس به دنیا آمد. او فرزند جواهرسازی پروتستان از دوفینه بود. ژان شاردن هنوز ۲۲ ساله نشده بود که پدرش وی را برای تجارت الماس به هند فرستاد. از ایران عبور کرد تا به سورات برود و همان سال دوباره به ایران بازگشت. مدت شش سال در اصفهان ماند. شش ماه از اقامتش نگذشته بود که خریدهای شاه به وی محول گشت. در مه ۱۶۷۰ به فرانسه مراجعت کرد، لیکن چون پروتستان بود، موقعیتش دشوار گردید. با مال‌التجاره در اوت ۱۶۷۱ به طرف آسیا راه افتاد که این بار نیز شش سال سفرش به درازا کشید. در آوریل ۱۶۷۷ به اروپا برگشت. بعداً تصمیم گرفت به انگلستان رفته آنجا مقيم شود. هنگام رسیدن به لندن در ۱۴ آوریل ۱۶۸۱، چارلز دوم به او لقب شوالیه داد و همان روز با یک مهاجر فرانسوی پروتستان کالونیست (فرقه مذهبی که کالون مؤسس آن بود - مترجم) که او هم قربانی کشمکشهای مذهبی شده بود، ازدواج کرد. جلد اول خاطرات سفرش را در ۱۶۸۶ در لندن منتشر کرد. جلد دوم تا ۱۷۱۱ به طول کشید و در آمستردام منتشر شد. عنوان کتاب: مسافرتهای آقای شاردن به ایران بود. وی نزدیک لندن در ۶۹ سالگی در ۱۵ ژانویه ۱۷۱۳ درگذشت.

خط سیر:

از اولین سفر خود، جز تاجگذاری سلیمان سوم چیزی منتشر نکرده، بنابراین اطلاعی در

دست نیست.

پانزده ماه پس از بازگشت به فرانسه، در ۱۷ اوت ۱۶۷۱، از پاریس به قصد هندوستان خارج شده، با کشتی از ژن به سمیرن رفته است و از آنجا باز با کشتی به قسطنطنیه می‌رود. در ۳۰ اکتبر به طرابوزان رسید و ۲۸ دسامبر به ایروان، بعد از نخجوان به تبریز، میانه، زنجان، سلطانیه و ساوه رفته در ۲۴ ژوئن به اصفهان وارد می‌شود.

در ۲ فوریه ۱۶۷۴ به بندرعباس می‌رود و با کشتی سفر هند را در پیش می‌گیرد.

وسيله سفر:

شاردن از کشتی و اسب استفاده کرده، در راههای دشوار پیاده می‌رفته است.

هدف سفر

هرچند داد و ستد سنگهای قیمتی کار اصلی‌اش بود و هدف وی را از مسافرت تشکیل می‌داد، لیکن شاردن به مطالعه زبانهای شرقی به‌ویژه فارسی پرداخته و به تحقیق در آداب و رسوم و مذاهب علاقه نشان داده است. مسئله مذهب در او بی‌تأثیر نبوده و قسمتی از علت سفر دومش آن بود، که در سرزمین اسلامی ایران او آزادی و راحتی بیشتری از مملکت خودش احساس می‌کرد. در خاطراتش به وضوح به این نکته اشاره دارد:

«... برای دومین بار به این سفر بزرگ تن دادم، که برای گسترش شناساییهایم در زبانها، آداب و رسوم، مذاهب، هنر، تجارت، و تاریخ شرقیهاست. و نیز دریافتم که در مراجعتم به فرانسه، مذهبی که با آن پرورش یافته و بزرگ شده‌ام، مرا از هر شغلی دور می‌کند، و باید یا مذهبم را تغییر دهم یا از آنچه شرافت و پیشرفت نامیده می‌شود صرفنظر کنم. هر یک از این دو طریق دشوار به نظرم می‌رسد. انسان نمی‌تواند آن‌گونه که دیگران می‌خواهند بیندیشد لذا بلافاصله برآن شدم که به هند بازگردم، آنجا، بدون اجبار در تغییر مذهب، با ادامه داد و ستدهایم شرایط قابل قبولی خواهم داشت...»^۱

۱۶۰

کورنی لوبرون

زندگینامه:

کورنی لوبرون جهانگرد هلندی در ۱۶۵۲ در لاهه به دنیا آمد. در ۱۶۷۴ به رم رفت و به فرا گرفتن نقاشی پرداخت. از سرزمینهای ساحل مدیترانه بازدید کرد. در ونیز توقف کرد و در ۱۶۹۳ به کشورش بازگشت. در ۱۷۰۱ از راه روسیه به باتاویا، ایران و هند شرقی رفت. در مسکو پرتله پترکیبر و چند عضو خانواده‌اش را کشید.

وقتی در ۱۷۰۸ به هلند برگشت، دومین اثر مصورش را منتشر کرد و این کار سه سال مشغولش کرد. پس از آن وقت خود را صرف نقاشی کرد. وی در اوترکت نزد دوستش وان مولم بدرود حیات گفت و به درستی سال مرگش را نمی‌دانند.

خط‌سیر:

۲۰ ژوئیه ۱۷۰۱ برون در لاهه به کشتی نشست. در چهارم ژانویه ۱۷۰۳ به مسکو رسید. پس از سفری روی ولگا در استرخان پا به زمین گذاشت. سپس با عبور از بحر خزر به ایران رسید. در بند، شماخی و اردبیل را بازدید کرد و بعد از دیدن زنجان و سلطانیه، ۶ نوامبر به قم رسید و از طریق کاشان به اصفهان رفت و یک سال آنجا سکونت کرد. در ۲۳ ژانویه ۱۷۰۵ به شیراز و پرس پلیس رفت. لیکن گرما مجورش ساخت به اصفهان بازگردد. ۱۶ اوت دوباره عازم سفر شد و به لار، بندرعباس و بالاخره به هرمز رفت و جزایر لارک و قشم را بازدید کرد، بالاخره به هند و به

چین رهسپار شد. در ابتدای اکتبر ۱۷۰۶ مجدداً به ایران آمد، چندی در کامرون ماند و بعد از راهی که آمده بود برگشت.

وسيله سفر:

برون مانند ديگران از وسايل معمول آن دوران استفاده کرده: کشتی، اسب، کاروان و در روسیه از سورتمه.

هدف سفر:

برای مطالعه در آداب و رسوم، عجایب سرزمینهای دوردست و تماشای بناهای باستانی به سفر رفت.

پتی دولاکروا (فرانسوا)

پتی دولاکروا پسر دوپتی منشی و مترجم لویی چهارده بود. در ۱۶۵۳ در پاریس تولد یافت. از کودکی به فراگیری زبانهای شرقی، ریاضی، نجوم، جغرافی، موسیقی و نقاشی پرداخت. در ۱۶۷۰ از سوی کولبر به او دستور داده شد تا برای تحصیل عربی، ترکی و فارسی به شرق رود. پس از آموختن عربی در حلب پتی دولاکروا در ۱۶۷۴ حلب را ترک گفت و عازم اصفهان شد. تا اوت ۱۶۷۶ در پایتخت ایران اقامت کرد و به تحصیل زبان فارسی و خواندن مثنوی جلال‌الدین رومی سرگرم شد. سفر خود را با توقف در قسطنطنیه که چهار سال به درازا کشید به پایان رساند. وقتی به پاریس بازگشت جانشین پدر شده، کرسی زبان عربی، در کالج رویال را به وی دادند. فرانسوا پتی دولاکروا، چهارم دسامبر ۱۷۱۳ در پاریس درگذشت. تاریخ تیموربک را از فارسی در چهار جلد ترجمه کرد و هزار و یک شب را در پنج جلد از ترکی به فرانسه برگرداند.

خط‌سیر:

فرانسوا پتی دولاکروا در ۱۶۷۰ از تولون با کشتی عازم سفر شد. در اسکندریه پا به ساحل گذاشت و از آنجا به حلب رفت. سکونتش در این شهر سه سال و نیم بود. اول اوت ۱۶۷۴ حلب را به قصد ایران ترک کرد. از طریق موصل بغداد وارد ایران شد تا ۲۰ ژوئن ۱۶۷۶ در پایتخت ایران ماند. از راه کاشان، قم، سلطانیه، کردستان، تبریز و آسیای صغیر به قسطنطنیه رفت.

وسایل سفر:

مانند تمام مسافری آن دوران وی از کشتی، اسب، قاطر و شتر استفاده کرده و بیشتر اوقات در کاروانهای مال‌التجاره بوده است.

مخارج و هدف از سفر:

طبق دستور کولبر به سفر اقدام کرده بوده، بنابراین مخارج وی را دولت پرداخته است. هدفش تکمیل زبانهای شرقی بوده ولی بیشتر به خاطر اجرای مأموریتهایی برای استحکام روابط ایران با فرانسه.

۱۸

ژوزف پیتون دو تورنفر

تورنفر یکی از سرشناسترین گیاه‌شناسان فرانسه است. سوم ژوئن ۱۶۵۶ در اکس واقع در پروانس به دنیا آمده در زادگاهش نزد ژزوئیت‌ها تحصیل کرد. زحمت زیادی در راه فرا گرفتن زبانهای کهن متحمل شد. لیکن علاقه به گیاه‌شناسی در وی بیش از سایر رشته‌های دانش بود. «او گیاه‌شناس به دنیا آمده بود همان‌طور که شاعر به دنیا می‌آیند.» لذا به مطالعه درباره گیاهان پرداخت. پدرش که میل داشت او مرد کلیسا شود، می‌خواست الهیات بخواند. پسر جوان قبول کرد، لیکن به دروسش، مطالعه فیزیک، شیمی و پزشکی را نیز افزود. پدرش وقتی در ۱۶۷۷ درگذشت، وی آزاد شد. سال بعد کوههای دوفینه و ساوا را گشت و مقدار زیادی گیاه با خود آورد که آغاز کارهای گیاه‌شناسی اش بود. در ۱۶۷۹ به مونپولیه رفت تا اختصاصاً به تشریح و پزشکی پردازد. دو سال به این علوم پرداخت و در عین حال به پژوهشهایش در رشته گیاه‌شناسی ادامه داد. در ۱۷۰۰ لویی چهاردهم به او مأموریت سفر به شرق داد. تورنفر در تصادفی در ۲۸ دسامبر ۱۷۰۸ در سن ۵۳ سالگی درگذشت.

خط‌سیر:

وی ۵ مه ۱۷۰۰ پاریس را به قصد ماریس ترک گفت تا به کشتی نشیند. پس از بازدید جزایری چند و سواحل جنوبی دریای سیاه، ۱۶ ژوئیه به گرجستان رسید. ضمن جستجوی گیاهان نادر و طی طریق، ۲۲ ژوئیه به تغلیس رسید. بالاخره ۱۸ اوت به سوی ایروان حرکت کرد.

به این ترتیب از ایران عبور کرده به هند رفت.

وسیله سفر:

برعکس سایر مسافرین که راههای معمولی و ساخته شده را ترجیح می‌دادند تورنفر تقریباً همیشه دور از راههای کاروان‌رو ره می‌سپرد.

هدف از مسافرت:

از سوی لویی چهارده مأموریت داشت نه تنها در مورد گیاهان تحقیق کند، بلکه دامنه تحقیقاتش تا مشاهدات در هر زمینه راجع به تاریخ طبیعی، جغرافی و حتی آداب و رسوم ادامه می‌یافت، شامل مذاهب و بازرگانی نیز می‌گشت.

فهرست اعلام

اشخاص

آ

آدم: ۱۰۵، ۱۱۱، ۲۰۸	اردشیر: ۲۸۲
آدم اولتاریوس: ۳۱۱ و — اولتاریوس	اردشیر دوم: ۲۸۳
آقاخان محلاتی: ۱۴۴	اردشیر سوم: ۲۸۳
آنتوان شرلی: ۳۰۴، ۳۰۳، ۷۸	ارسطو: ۲۰۵، ۲۰۴
آنتونی شرلی: ۲۲۷	استخر: ۲۷۰

الف

اسکندر: اسکندر کبیر: ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۶۳	اسحق: ۹۸
اسمعیل (ع): ۹۸، ۹۷	اسحق: ۹۸
ابراهیم: ۲۸۲	اسکندر: اسکندر کبیر: ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۶۳
ابراهیم، پیامبر گبرها: ۱۰۱ تا ۱۰۳ و —	اسمعیل (ع): ۹۸
زاراتوسترا	اسمعیل (امام اسمعیلیه): ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۴۳
ابرهة بن صاحب: ۱۸۰	افلاطون: ۲۰۴
ابن سینا: ۱۴۶، ۱۴۷، ۲۰۴، ۲۰۵	اقلیدس: ۲۰۴
ابوبکر: ۹۱، ۱۳۱	البارسلان: ۱۷۷
	الکساندر دوزد: ۲۲۹
	اللهوردیخان: ۲۵۷

الوینی: ۲۸۴

الهه فلورا: ۱۸۱

الیزابت: ۱۲۲

امام قلی خان: ۲۶۰، ۲۶۱

اوتوکار دوم: ۲۹۹

اودوریک دو پوردانون: ۲۳، ۳۲، ۴۵، ۵۷

۲۶۹، ۲۹۹

اولثاریوس: در صفحه‌های زیادی آمده است

اهریمن: ۱۰۳

اهورا: ۱۰۳

ب

باراخوس: ۳۰۵

باریه دومینار: ۲۹۹

بخت‌النصر: ۱۷۸، ۱۷۹

براون ← کورنی لوبرون

بنجامین دو تودل: ۲۱، ۲۲، ۵۶، ۱۲۹ تا ۱۳۱

۱۳۳، ۱۳۷، ۲۹۵، ۲۹۶

بوریس گودونف: ۳۰۴

بولای لوگوز ← لابلولای دولوگوز

پ

پاپ پل پنجم: ۳۰۹

پاپ ژان بیست و دوم: ۲۹۹

پاپ گریگوار: ۱۱۸

پترکبیر: ۳۲۵

پتی دولا کروا: ۳۳، ۴۹، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۶۰

۱۹۰، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۲، ۳۲۷

پدر اسکندر دورد؛ پدر الکساندر ژد: ۱۵۴

۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۸

پدر پاسیفیک دو پرونس: ۶۳، ۸۳، ۱۴۹

۱۵۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۲۰

پدر رافائل دومان: ۲۲، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۷، ۴۲

۴۳، ۵۲، ۵۸، ۵۹، ۶۹، ۷۲، ۹۶، ۹۷، ۹۹

۱۱۶، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۷۴، ۱۸۹، ۲۰۲، ۲۰۳

۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۳۱۹

پدر ژوزف: ۳۱۵

پرنس المستعلی: ۱۳۵

پرنس فیلیپ آریدان: ۱۷۹

پلگرینو: ۳۰۹ و ← دولا واله

پلین: ۵۵

پوتیه: ۱۳۸، ۱۳۹

پیر دولا واله: ۳۰۹ و ← دولا واله

پیر کوهستان: ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۱ و ← داعی

کبیر

پیغمبر (ص) ← محمد پیامبر اسلام (ص)

ت

تاورنیه: در صفحه‌های زیادی آمده است

تائیس: ۲۷۶

ترون: ۱۱۰

تورنفر: ۳۲، ۳۳، ۵۱، ۵۳، ۱۰۷، ۱۱۱ تا ۱۱۴

۱۱۶، ۱۱۸، ۳۲۹، ۳۳۰

تونو: در صفحه‌های زیادی آمده است

تیمور لنگ: ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۶۶

ج

جبرئیل: ۹۹، ۱۲۱

جعفر صادق، امام (ع): ۱۳۲

جمشیدشاه: ۲۷۰، ۲۷۱

جوینی: ۱۳۴، ۱۴۳

چ

چارلز اول: ۳۱۷

چارلز دوم: ۳۲۳

چنگیزخان: ۱۴۲، ۲۶۷

ح

حسن، امام (ع): ۱۰۰، ۱۳۱، ۱۳۲

حسن صباح: ۱۳۵، ۱۳۸ تا ۱۴۲، ۱۴۵

حسن عسکری، امام (ع): ۱۳۲

حسین، امام (ع): ۹۹، ۱۰۰، ۱۳۱، ۱۳۲

حسین علی‌بیک: ۳۰۴

حوا: ۱۱۱، ۲۰۸

خ

خان مغول: ۳۱۶

خشارباشا: ۲۸۲

خشایار شاه اول: ۲۸۲

خشایار شاه دوم: ۲۸۲

خواجه نظام‌الملک: ۱۴۱

د

داریوش: ۱۰۱، ۱۸۲، ۲۸۲، ۲۸۴

داریوش دوم: ۲۸۲

داریوش سوم: ۲۸۳

داعی کبیر: ۱۴۱ و ← پیر کوهستان

دانیال نبی: ۵۵، ۱۰۴

دفرمری: ۱۴۵

دوپتی: ۳۲۷

دوساسی: ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۴۵

دوسیلو افیگروا ← دون گارسیاس دوسیلوا

دوک دو هوستین گوترپ: ← دون گارسیاس

دوک فریا: ۳۰۵

دولا بولای لوگوز: ۳۱۷ و ← لابلولای لوگوز

دولا واله: در صفحه‌های زیادی آمده است

دومینیک مقدس: ۱۰۸

دون آنتوان شرلی: ۷۸ و ← آنتوان شرلی

دون گارسیاس دوسیلوا: در صفحه‌های

زیادی آمده است

دیودور سیکولوس: ۲۵۳

ر

رافائل دومان ← پدر رافائل دومان

راولینسون: ۲۸۲

رسول‌الله (ص): ۹۱ و ← محمد (ص)،
پیامبر اسلام
روبرت شرلی: ۳۰۳
رودلف، امپراتور: ۳۰۳
روستان پیزان: ۲۹۷
ریشیلیو: ۳۱۵

ز

زاراتوسترا (نقره‌شو): ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴ و ←
ابراهیم، پیامبر گبرها
زردشت: ۱۰۴
زرسیوس: ۱۰۵
زکریا: ۱۲۲
زین العابدین (ع): ۱۳۱، ۱۳۲

ژ

ژاک دو توتر: ۳۱۹ و ← پدر رافائل دومان
ژان باپتیس تاورنیه: ۳۱۵ و ← تاورنیه
ژان دو تونو: ۳۲۱ و ← تونو
ژان شاردن: ۳۲۳ و ← شاردن
ژوزف پیتون دو تورنفر: ۳۲۹ و ← تورنفر

س

سام: ۱۰۴
سترابون: ۲۵۳
سقراط: ۱۰۸

سلطان جلال‌الدین: ۱۸۲
سلطان محمد خدابنده: ۲۶۸
سن بارتلمی: ۱۰۸
سن بازیل: ۱۰۸
سن تاده: ۱۰۸
سن توماس: ۱۱۲
سن سیمون: ۱۱۲
سن گریگور: ۱۰۸

ش

شاردن: در صفحه‌های زیادی آمده است
شارل دو توتر: ۳۱۹
شارل شفر: ۳۰۸، ۱۴۶
شاه اسمعیل: ۸۰
شاه صفی: ۸۸، ۱۲۹
شاه عباس: ۶۴، ۷۱، ۷۸، ۸۰، ۸۶، ۱۳۰، ۱۶۸
۳۱۰، ۳۰۸، ۳۰۳، ۲۵۶، ۲۴۰، ۲۲۲، ۲۲۳
شاه عباس اول: ۲۳۱
شاه عباس دوم: ۵۳، ۸۸، ۲۵۸، ۳۱۹
شاه عباس کبیر: ۲۵، ۳۸، ۵۳، ۱۲۹، ۲۱۸،
۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۴۱،
۲۶۴
شرلی ← آنتونی شرلی:
شفر ← شارل شفر

ص

صباح: ۱۴۰
صلاح‌الدین: ۱۳۵

ع

عثمان: ۹۱، ۱۳۱
عضدالدوله: ۲۵۴
علی، امام (ع): ۹۱، ۹۸، ۹۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴،
۱۸۲، ۱۴۶
علی رضا، امام (ع): ۱۳۲
علی قلی: ۱۶۱
علی قلی خان: ۲۶۱
علی نقی، امام (ع): ۱۳۲
عمر: ۹۱، ۱۳۱
عیسی؛ عیسی مسیح (ع): ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴،
۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۴

غ

غوبیلای خان: ۲۹۷

ف

فاطمه (ع): ۹۹، ۱۰۰
فرانسوا پتی دولا کروا: ۳۲۷ و ← پتی دولا
کروا
فرعون: ۲۲
الفقییر: ۲۰۵ و ← ابن سینا
فیروز اول: ۱۸۲
فیگورا: ۳۰۵ و ← دون گارسیاس دوسیلوا
فیلیپ دوم: ۳۰۵

ق

قرمط: ۱۳۵

ک

ک. کورس؛ کنت کورس؛ کونیت کورس:
۱۸۲، ۲۵۳، ۲۷۶، ۲۸۹
کاردینال ریشیلیو: ۳۰۸
کالون: ۳۲۳
کلان هشتم: ۳۰۴
کنت اسکس: ۳۰۳
کنستانتین: ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۸
کورتی لوبرون: ۲۴، ۲۴، ۴۷، ۴۹، ۵۴، ۶۵،
۷۳، ۸۷، ۹۱، ۹۳، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۷،
۱۱۸، ۱۳۱، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۸۴، ۲۱۴، ۲۲۱،
۲۲۹، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۸، ۲۵۶،
۲۵۸، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۴،
۲۸۸، ۲۹۱، ۳۲۵
کوروش: ۱۰۱، ۲۵۳، ۲۷۰
کوروش دوم: ۲۸۳
کوروش کبیر: ۱۶۱
کولبر: ۳۲۸
کیومرث: ۲۷۰

گ

گالین: ۲۰۴

گزنفون: ۱۸۸، ۸۲
گواش: ۳۱۵
گوتفند: ۲۸۲
گیوم دوسولانیا: ۲۹۹

ل

لابولای لوگوز: ۱۰۹ تا ۱۱۱، ۱۲۰ تا ۱۲۲،
۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۵۴، ۱۶۷، ۲۲۹، ۳۱۷
۳۱۸
لودویک دو وارتما: ۳۰۱، ۳۰۲
لویی چهاردهم: ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۷، ۳۲۹
۳۳۰
لویی سیزدهم: ۳۰۷
لیسی: ۲۸۴

م

مارسل دیولافوی: ۲۸۴
مارکوپولو: ۲۳، ۲۲، ۴۲، ۴۵، ۵۳، ۵۴، ۵۶،
۶۹، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷ تا ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۶۴
۲۹۷، ۲۵۱
ماری لوتیزکن زاک: ۳۱۴
ماسیو: ۲۹۷
ماکابه: ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۹
مایر: ۲۵۵
محمد (ص)، پیامبر اسلام: ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۹
تا ۱۰۱، ۱۲۰، ۱۶۷، ۱۷۸
محمد: ۱۴۳

و

وارتما: ۳۰۱، ۳۰۲ و لودویک دو
وارتما

محمدباقر، امام (ع): ۱۳۱، ۱۳۲
محمدبیک: ۵۳
محمدتقی، امام (ع): ۱۳۲
محمد خدابنده: ۲۶۷
محمدقلی: ۱۶۱
محمد مهدی، امام (ع): ۱۳۲
مستصر بالله: ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰
مسیح (ع): ۱۲۳، ۱۲۵ و عیسی مسیح (ع)
معصومه (ع): ۸۸
مغول بزرگ: ۱۴۲
ملک شاه سلجوقی: ۱۳۹
منکو: ۱۴۲
موسی (ع): ۱۰۴، ۲۷۰
موسی کاظم، امام (ع): ۱۳۲
میشل فدرویچ: ۳۱۱

ن

ناصر خسرو: ۱۴۶
نزار: ۱۳۵، ۱۴۰
نظام الملک: ۱۳۹ و خواجه نظام الملک
نمرود شاه: ۱۰۱ تا ۱۰۳
نوح: ۱۰۴، ۲۶۶
نیبوه: ۲۸۲
نیکولو: ۲۹۷

و

هلاکو: ۱۳۴، ۱۴۲

ه

هاجسن: ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۴۵
هامر: ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۴
هانری کورین: ۱۳۲، ۱۴۳
هردوت: ۱۸۶

ی

یحیی؛ یحیی تعمید دهنده؛ یحیی مقدس:
۱۱۹ تا ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۸۲
یعقوب: ۱۰۴

مکانها

آ

آذربایجان: ۲۵، ۳۱، ۱۰۴، ۱۳۰
آرامگاه داریوش سوم: ۲۷۹
آرامگاه سلطان محمد خدابنده: ۲۶۸
آرامگاه شاه صفی: ۸۸
آرامگاه شاه عباس دوم: ۸۸
آرامگاه کورش کبیر: ۱۶۲
آسکوسلون: ۳۱۱
آسیا: ۶۵، ۷۲، ۸۲، ۸۳، ۱۵۰، ۱۹۳، ۲۵۹
۲۸۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۲۳

الف

آسیای خاوری: ۱۲۹، ۲۹۵
آسیای صغیر: ۳۱۵، ۳۲۷
آسیای غربی: ۲۸۲
آشور: ۲۸۲
آشور باستانی: ۲۱
آشیانه عقاب: ۱۴۲ و قلعه الموت
آفریقا: ۸۳، ۱۳۵، ۲۸۴
آلمان: ۲۲۳
آمریکا: ۱۹۳
آستردام: ۳۲۳
آمودریا: ۱۴۳
آنژو: ۳۱۷
آنور: ۳۱۵
آنهالت: ۳۱۱
آویاز: ۱۲۰
آوینون: ۳۱

اراک: ۱۶۰
اردبیل: ۵۳، ۷۰، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۲۵
اردن: ۱۲۰
ارزروم: ۲۱، ۳۳، ۵۳، ۲۹۹، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷

ارمنستان: ۳۰، ۳۱، ۳۷، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۴، ۶۹، ۷۹، ۱۰۸، ۱۱۹، ۲۹۷	الوندکوه: ۵۲	ارمنستان: ۳۱
الیمائس: ۲۷۰ و ← فارس	الیجه: ۵۲	ارمنستان بزرگ: ۲۱، ۲۲
امپراتوری ایلام: ۲۸۷ و ← ایلام	امپراتوری عثمانی: ۲۱، ۳۰۳ و ← عثمانی	اروپا؛ اروپایی: ۲۲، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۴۶، ۵۸، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۳، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۴۱
امپراتوری مغول: ۲۱ و ← مغول	امریکای جنوبی: ۳۰۳	۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۹۳، ۲۰۳
انگلیس؛ انگلیسی: ۴۱، ۵۰، ۵۹، ۷۰، ۷۸، ۱۹۳، ۲۳۴، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۷	انگلیس؛ انگلیسی: ۴۱، ۵۰، ۵۹، ۷۰، ۷۸، ۱۹۳، ۲۳۴، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۷	۲۰۷، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۱، ۲۵۰، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۲۱
۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۳	۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۳	۳۲۳
اودین: ۲۹۹	اودین: ۲۹۹	ارومیه: ۵۱
اورشلیم: ۲۹۵، ۳۰۹	اورشلیم: ۲۹۵، ۳۰۹	اسپانیا؛ اسپانیایی؛ اسپانیولی: ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۲، ۲۹۵، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۲
اورلئان: ۱۷۶، ۵۹	اورلئان: ۱۷۶، ۵۹	استخر: ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۹۹
اوزبک؛ ازبکیا: ۲۲	اوزبک؛ ازبکیا: ۲۲	استرآباد: ۳۳
اهرام مصر: ۲۸۵	اهرام مصر: ۲۸۵	استرامادور: ۲۵۲
اهواز: ۲۹۹	اهواز: ۲۹۹	استرخان: ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۲۵
ایبری؛ ایبری باستانی؛ ایبریها: ۱۰۷ و ←	ایبری؛ ایبری باستانی؛ ایبریها: ۱۰۷ و ←	اسکلون: ۲۰۷
گرچی	گرچی	اسکندریه: ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۲۷
ایتالیا: ۷۰، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۴۷، ۲۹۵، ۳۰۷	ایتالیا: ۷۰، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۴۷، ۲۹۵، ۳۰۷	اشرف: ۲۵، ۳۱۰
۳۱۵، ۳۲۱	۳۱۵، ۳۲۱	اصطبل شاهی: ۸۸
ایران: در صفحه‌های زیادی آمده است	ایران: در صفحه‌های زیادی آمده است	اصفهان: در صفحه‌های زیادی آمده است
ایرلند: ۳۱۷	ایرلند: ۳۱۷	افز: ۱۰۹
ایروان: ۳۱، ۵۰، ۷۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۳۱۸	ایروان: ۳۱، ۵۰، ۷۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۳۱۸	اقیانوس هند: ۲۱
۳۲۴، ۳۲۹	۳۲۴، ۳۲۹	اکس: ۳۲۹
ب	ب	اکسوس: ۲۲ و ← رود گرگان
بابل؛ بابلی: ۵۵، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۳۰، ۱۷۹، ۲۷۱	بابل؛ بابلی: ۵۵، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۳۰، ۱۷۹، ۲۷۱	الله قایی: ۲۳۵ و ← عالی قاپو
۳۰۷	۳۰۷	المد: ۲۶۹
		الموت: ۱۴۶ و ← قلعه الموت

بابیلون: ۱۲۰	بابیلون: ۱۲۰
باتاویا: ۳۲۵	باتاویا: ۳۲۵
بارسلون: ۲۹۵	بارسلون: ۲۹۵
بازار شاهی: ۲۳۴	بازار شاهی: ۲۳۴
بازار قیصریه: ۲۴۰، ۲۴۲ و ← قیصریه	بازار قیصریه: ۲۴۰، ۲۴۲ و ← قیصریه
باغ شاهی اصفهان: ۲۱۷ و ← چهارباغ و	باغ شاهی اصفهان: ۲۱۷ و ← چهارباغ و
← هزار جریب	← هزار جریب
باغ هزار جریب: ۲۲۲، ۲۲۴ و ← باغ شاهی	باغ هزار جریب: ۲۲۲، ۲۲۴ و ← باغ شاهی
باکتری: ۲۰۵ و ← بخارا	باکتری: ۲۰۵ و ← بخارا
باکتریان: ۴۳، ۵۰، ۵۳	باکتریان: ۴۳، ۵۰، ۵۳
باکو: ۵۴، ۲۵۱	باکو: ۵۴، ۲۵۱
بالسرا: ۱۲۰	بالسرا: ۱۲۰
بحر خزر: ۳۰۴، ۳۲۵ و ← دریای مازندران	بحر خزر: ۳۰۴، ۳۲۵ و ← دریای مازندران
بحرین: ۴۹، ۶۴، ۳۲۲	بحرین: ۴۹، ۶۴، ۳۲۲
بخارا: ۲۰۵، ۲۱۰ و ← باکتری	بخارا: ۲۰۵، ۲۱۰ و ← باکتری
بدخشان: ۲۸، ۴۵، ۱۴۳، ۱۴۶	بدخشان: ۲۸، ۴۵، ۱۴۳، ۱۴۶
برزیل: ۶۲	برزیل: ۶۲
برلن: ۳۱۵	برلن: ۳۱۵
بصره: ۶۴، ۱۲۰، ۱۲۷، ۲۹۵، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۲	بصره: ۶۴، ۱۲۰، ۱۲۷، ۲۹۵، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۲
بغداد: ۲۶، ۵۶، ۸۳، ۱۲۵، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۴	بغداد: ۲۶، ۵۶، ۸۳، ۱۲۵، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۴
۳۰۷ تا ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۲۷	۳۰۷ تا ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۲۷
بلخ: ۱۴۶، ۲۱۰	بلخ: ۱۴۶، ۲۱۰
بلغارستان: ۳۱۵	بلغارستان: ۳۱۵
بند امیر: ۲۵۳، ۲۵۴	بند امیر: ۲۵۳، ۲۵۴
بند پولیگور: ۲۵۵	بند پولیگور: ۲۵۵
بندر ریگ: ۴۹	بندر ریگ: ۴۹
بندرعباس: ۲۹، ۲۵۵، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۴	بندرعباس: ۲۹، ۲۵۵، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۴
۳۲۵	۳۲۵
بندرعباسی: ۲۵ تا ۲۷، ۶۹ و ← بندرعباس	بندرعباسی: ۲۵ تا ۲۷، ۶۹ و ← بندرعباس
و ← گمرون	و ← گمرون
بورنئو: ۲۹۹	بورنئو: ۲۹۹
بوگه: ۳۱۷	بوگه: ۳۱۷
بولونی: ۳۰۱	بولونی: ۳۰۱
بوهم: ۲۹۹	بوهم: ۲۹۹
بیت المقدس: ۳۰۷	بیت المقدس: ۳۰۷
بیتوم: ۱۲۰	بیتوم: ۱۲۰
بیروت: ۳۰۱	بیروت: ۳۰۱
بیستون: ۲۸۲	بیستون: ۲۸۲
بین‌النهرین: ۱۲۰، ۱۷۸، ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۲۰	بین‌النهرین: ۱۲۰، ۱۷۸، ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۲۰
پ	پ
پادو: ۲۹۹	پادو: ۲۹۹
پارت: ۲۱، ۱۳۰	پارت: ۲۱، ۱۳۰
پارتیه: ۵۰، ۵۳، ۱۰۸	پارتیه: ۵۰، ۵۳، ۱۰۸
پارس؛ پارسی: ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۲۸۲	پارس؛ پارسی: ۲۲، ۲۶، ۲۸، ۲۸۲
پاریس: ۳۷، ۵۹، ۶۷، ۱۶۷، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۵۵	پاریس: ۳۷، ۵۹، ۶۷، ۱۶۷، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۵۵
۲۵۷، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱	۲۵۷، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱
۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۹	۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۹
پازارگاد: ۱۶۲	پازارگاد: ۱۶۲
پالرم: ۲۱۹	پالرم: ۲۱۹
پراک: ۳۰۴، ۳۱۵	پراک: ۳۰۴، ۳۱۵
پرتقال؛ پرتقالیها: ۲۳۷، ۲۴۰، ۳۰۱، ۳۰۵	پرتقال؛ پرتقالیها: ۲۳۷، ۲۴۰، ۳۰۱، ۳۰۵
پرس: ۳۳	پرس: ۳۳
پرس‌پلیس: ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۹ تا ۲۷۲، ۲۷۶	پرس‌پلیس: ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۹ تا ۲۷۲، ۲۷۶
۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۱	۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۱
۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۵ و ← مازکاسکان	۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۵ و ← مازکاسکان
پرسکو: ۴۸	پرسکو: ۴۸
پرونس: ۳۰۷، ۳۲۹	پرونس: ۳۰۷، ۳۲۹
پلاس رویال: ۲۳۰	پلاس رویال: ۲۳۰

دریای خزر

دریای مدیترانه: ۲۲۵

دزفول: ۱۲۰

دگا: ۱۲۰

دماغه افیدنیک: ۳۰۱

دماوند: ۱۴۳

دمشق: ۱۳۵، ۱۴۲، ۲۹۵، ۳۰۱

دورشر: ۱۲۰

دوفینه: ۳۲۲

دیاربکر: ۳۳

دیر آگوستین‌ها: ۸۶، ۹۱

دیر دومینیکن‌ها: ۹۱

دیر ژوئیت‌ها: ۹۱

دیر سه کلیسا: ۱۱۱

دیر کاپوسین‌ها: ۹۱

دیر کارم‌ها: ۹۱

خ

خاییس: ۵۰، ۷۵ و ← کابانان

خارک: ۴۹

خابالتی: ۳۰۰

خاوردور: ۶۹

خراسان: ۳۱، ۳۵، ۵۰، ۵۲، ۷۰، ۱۳۹، ۱۴۲

خرانه اصفهان: ۱۶۳

خزر: ۲۱ و ← دریای خزر

خلیج فارس: ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۴۹، ۵۱، ۵۲

۶۴، ۶۹، ۱۲۰، ۱۳۰، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۹۵

۳۰۶، ۳۰۹

خوزستان: ۲۹، ۳۳، ۲۹۵

د

دادیوان: ۲۹

دانشگاه آگسفورد: ۳۰۳

دربند: ۵۰، ۳۱۱، ۳۲۵

در عالی: ۲۳۶

در علی: ۲۳۴

دروازه فیضیه: ۲۲۵

دروازه کاخ شاهی: ۲۳۳

دریاچه ایروان: ۴۹

دریای خزر: ۲۱ تا ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۳۵، ۴۸، ۵۲

۲۵۴، ۵۴

دریای سیاه: ۴۸، ۲۷۵، ۲۹۹، ۳۱۶، ۳۲۹

دریای مازندران: ۲۲، ۲۵۶، ۳۰۴، ۳۱۱ و ←

ر

راجپور: ۳۱۷

زم: ۲۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۳۴

۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۵

رود آخوران: ۳۸

رود آراکس برادمیر: ۲۵۳

رود اردن: ۱۲۷

رود ارس: ۲۷

رود اکسوس: ۲۲ و ← رود گرگان

رود برادمیر ← رود آراکس

رود تجن: ۳۷

پلاس ناونه: ۲۳۰، ۲۳۲

پل الله وردی خان: ۲۵۷

پل جلفا: ۲۵۷، ۲۵۸ و ← پل الله وردی خان

پل کهنه: ۲۵۸

پل نو: ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷

پیرماراس: ۵۲

ت

تاتار؛ تاتارستان: ۳۵، ۴۱، ۱۶۵، ۳۰۰

تاراگون: ۲۹۵

تالار آینه: ۲۳۹

تالار بزرگ: ۲۳۷

تالار صد ستون تخت جمشید: ۲۹۰

تالار طویلله ۲۳۸ و ← تالار بزرگ

تبت: ۳۰۰

تبریز: ۵۰، ۵۲ تا ۵۴، ۵۶، ۶۶، ۶۷، ۲۹۸، ۲۹۹

۳۱۴، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۷

تخارستان: ۴۵ و ← گانا

تخت جمشید: ۲۶۹، ۲۸۹ تا ۲۹۲

ترکستان: ۳۰۰

ترکمنستان: ۵۶

ترکیه؛ ترکیه عثمانی: ۲۲، ۲۸، ۶۲، ۶۹، ۷۰

۱۶۷، ۱۹۵، ۲۲۳، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۱۸

تری پولی: ۳۰۱، ۳۱۸

تفلیس: ۳۳، ۵۱، ۵۲، ۳۲۹

تودل: ۲۹۵

تولون: ۳۲۷

تونکن: ۳۱۳، ۳۱۴

تیبه: ۲۱

ج

جارون: ۲۶۱

جاوا: ۲۹۹

جاوه: ۳۱۳

جبال: ۱۴۳

جاده: ۳۰۲

جزایر آنتیل: ۳۰۷

جزیره العرب: ۱۷۸

جزیره هرمز ← هرمز

جلفا: ۲۵۸

جنهم: ۲۹

چ

چانگ - تو: ۲۹۸

چک: ۲۹۹

چهارباغ: ۲۱۸ تا ۲۲۲، ۲۵۸

چهل ستون: ۲۳۶، ۲۳۷

چهل منار: ۲۵۴، ۲۶۹، ۲۷۲

چیز: ۱۰۴

چین؛ چینی: ۳۵، ۶۲، ۷۰، ۱۹۱، ۲۵۹، ۲۹۷ تا

۲۹۹، ۳۱۴، ۳۲۶

ح

حسن کلا: ۳۱۷

حلب: ۱۴۲، ۲۹۵، ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۷

رود دجله: ۱۱۹	سارو: ۳۷
رود سن: ۳۷	ساری: ۵۰، ۵۲
رود سیروس: ۲۵۳	ساعتخانه: ۲۳۴
رود فرات: ۱۱۹، ۶۹	سامارکوت: ۲۱
رود قزل‌اوزن: ۲۵۶	ساوا: ۳۲۹
رود قم‌چای: ۲۵۶	ساوه: ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۲۴
رود کر ← رود سیروس	سزاره: ۲۴۱
رود گرگان: ۲۲	سزاره قیصریه: ۲۴۱ و ← قیصریه
رود ولگا: ۳۲۵	سکاماشی؛ سکاماکسی: ۳۱، ۶۶ و ←
روسیه: ۳۲۵، ۳۲۶	شماخی
روم؛ رومی: ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۸۱، ۲۶۹	سلطانیه: ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۹۹، ۳۱۱، ۳۱۸، ۳۲۴
رومن: ۱۲۰	۳۲۷، ۳۲۵
ری: ۱۳۹، ۱۴۳	سلمه: ۱۴۳
رتوبال: ۴۲	سمرقند: ۲۱۰
	سمیرن: ۳۲۴
	سنا: ۱۸۰
	سنت ریسم: ۱۱۲
	سنت کان: ۱۱۲
	سنت هلن: ۱۱۸، ۳۰۱
	سند: ۲۱، ۱۴۳، ۱۴۴
	سن ژرمن: ۵۹
	سن مارک: ۲۶۸
	سورات: ۳۲۳
	سوریه: ۱۳۲، ۱۳۵، ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۲۰
	سوسیان: ۳۳، ۵۲
	سویس: ۳۱۵
	سه کلیسا: ۵۱
	سی دی وال: ۲۹۹
	سیستان: ۲۹، ۶۱

ساراگوس: ۲۹۵

سیسیل: ۳۰۷	طرابلس: ۱۳۸
سیلان: ۲۹۹	طرابوزان: ۲۹۹، ۳۲۴
سینوس پریکوس: ۲۲ و ← خلیج فارس	
	ع
	عالیقاپو: ۸۸، ۲۳۴، ۲۳۵
	عدن: ۳۰۲
	عراق: ۱۳۵
	عربستان: ۲۲، ۴۹، ۱۰۰، ۱۲۰، ۱۴۳، ۱۴۴
	ف
	فارس؛ فارسستان: ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲
	فرات: ۲۲ و ← رود فرات
	فرانسه؛ فرانسوی: ۵۳، ۵۹، ۶۴، ۶۷، ۷۲، ۷۴
	۹۱، ۱۵۶، ۱۷۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۱۷، ۲۲۴
	۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۲ تا ۳۱۵، ۳۱۷ تا ۳۱۹
	۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۹
	فوح‌آباد: ۲۴، ۳۷، ۳۱۰
	فلسطین: ۱۲۹
	ق
	قاسم‌آباد: ۴۵
	قاهره: ۱۴۱، ۳۰۱، ۳۱۸
	قره‌باش: ۶۶، ۷۰
	قزوين: ۲۹، ۵۰، ۵۲، ۱۴۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۷
	۳۱۰، ۳۱۱
	قسنطنطنیه: ۱۰۹، ۲۰۸، ۲۹۵، ۲۹۹، ۳۰۴
	۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۵ تا ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۷
	ط
	طیس: ۵۸

طیس: ۵۸

قشم: ۳۲۵

قصر داریوش: ۲۷۲

قصر شاهی: ۲۳۵

قفقاز: ۴۳

قلعه الموت: ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷

قم: ۲۹، ۵۱، ۵۸، ۸۸، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۱۸

۳۲۷، ۳۲۵

قندهار: ۲۱، ۲۲، ۱۴۳

قیصریه: ۲۴۰، ۲۴۲

ک

کابانان: ۵۰، ۵۱، ۵۷ و ← خابیس

کاخ آپادانا: ۲۸۲

کاخ بهشت: ۲۳۹

کاخ دریای شاهی: ۲۳۹

کاخ شاهی: ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۹

کاخ میهمانان: ۲۳۹

کاراباش: ۳۱

کارامانی: ۵۱

کازرون: ۲۶۰، ۲۶۱

کاشان: ۲۴، ۳۸، ۵۲، ۵۴، ۵۸، ۶۱، ۲۹۹، ۳۰۴

۳۱۱، ۳۱۸، ۳۲۵، ۳۲۷

کالاس آباد: ۱۲۰

کالج رویال: ۳۲۷

کالج فلش: ۳۱۷

کالج ناوار: ۲۹۰، ۳۲۱

کامرون: ۳۲۶

کانال موزامبیک: ۳۰۶

کاتن: ۳۱۳

کانور: ۳۰۱

کپنیاک: ۳۱۷

کتز: ۵۰ و ← گنجه

کریلا: ۹۷

کرچک: ۳۳

کردستان: ۳۳، ۸۵، ۱۹۳، ۲۵۶، ۲۹۵، ۳۰۹

۳۲۱، ۳۲۷

کرمان: ۴۵، ۵۰، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۱۰۴، ۲۵۵

۲۹۸

کرمل: ۱۲۵

کلده: ۵۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۶۴، ۱۷۸، ۲۵۱

کلکته: ۳۰۱

کلیسای ارامنه ایران: ۱۱۹

کلیسای بیت المقدس: ۱۱۹

کلیسای رم: ۱۰۸

کلیسای سنت رپسیم: ۱۱۲

کلیسای سنت کآن: ۱۱۲

کلیسای سن توماس: ۹۱

کلیسای سن ژاک: ۹۱

کلیسای سن گریگور: ۱۱۱، ۱۱۲

کمره: ۵۱

کتناوی ونیز: ۳۱۳

کتگو: ۵۱

کوسن: ۵۹

کوشین شین: ۳۱۳، ۳۱۴

کوه آارات: ۲۲

کوه آنتی لیان: ۱۳۲

کوه ارمنستان: ۲۲

فهرست اعلام

کوه الموت: ۱۴۴

کوه الوند ← الوندکوه

کوه جaron: ۲۶۰

کوه دماوند: ۵۱

کوه دوفینه: ۳۲۹

کوه رحمت: ۲۷۲

کوه شاهی: ۲۷۲

کوه کالور: ۱۱۸

کوه کلیسان: ۵۱

کویر مرکزی ایران: ۲۹۸

گی

گاریانسوس: ۱۲۰

گامرون: ۲۴، ۲۷، ۳۵ و ← گمرون

گانا: ۴۵ و ← تخارستان

گبرستان: ۴۵

گرجستان؛ گرجی: ۲۲، ۳۳، ۵۲، ۵۶، ۷۰، ۷۴

۷۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۶۷، ۲۷۵، ۲۹۷، ۳۰۴

۳۱۶، ۳۲۹

گرگان: ۵۰، ۵۴، ۶۱، ۱۳۰، ۲۵۰، ۲۵۱

گلکند: ۵۸ و ← هندوستان

گمرون: ۶۹ و ← بندرعباسی و ←

گامرون

گنجه: ۵۰ و ← کتز

گوتروپ: ۳۱۱

گومار: ۱۲۰

گویا: ۳۱۷

گیلان: ۳۱، ۵۰، ۵۶، ۵۸، ۷۰، ۲۹۵، ۳۰۴

ل

لار: ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۵۴، ۶۴، ۶۵، ۱۳۱

۲۴۸، ۳۰۵، ۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۵

لارک: ۳۲۵

لاحه: ۳۲۵

لرستان: ۵۴، ۷۴

لزا: ۱۲۰

لندن: ۳۹، ۳۲۳

لهستان: ۳۱۴، ۳۱۵

لیزیک: ۳۱۱

لیسبون: ۳۰۱، ۳۱۳

م

ماده مادی: ۲۱، ۲۲، ۴۳، ۱۰۸، ۱۶۷، ۲۸۲

مادگاسکار: ۳۰۱

ماد شمالی: ۵۰

ماسری: ۴۸، ۲۹۵، ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۱

۳۲۹

مارکاسکان: ۲۵۴ و ← پرس پلیس

مازندران: ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۷۰، ۷۹، ۱۰۷، ۲۶۲

۲۷۴

ماسوله: ۵۰

مالت: ۳۰۷

مان: ۳۱۹

محمدآباد: ۱۴۳

مدینه: ۱۰۰

نارین: ۲۹۵، ۳۰۷	مرند: ۳۱۸
نخجوان: ۳۱، ۳۲، ۵۱، ۲۶۶، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۲۴	مزیت: ۱۳۲
نقش رستم: ۲۸۵ تا ۲۸۷	مسجد بزرگ نخجوان: ۲۶۶
نورا: ۵۸، ۵۹	مسجد سلطانیه: ۲۶۷، ۲۶۸
نیریز: ۵۸	مسجد شاه: ۲۳۴
نیشابور: ۳۵، ۵۳	مسجد کبود تبریز: ۲۶۷
	مسجد محمد خدابنده: ۲۶۷
	مسکو: ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۲۵
	مسکول: ۱۲۰
	مشهد: ۶۲، ۹۷
ونیز؛ ونیزی: ۵۶، ۵۹، ۶۶، ۶۹، ۲۶۸، ۲۷۲	مصر: ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۹۰
۲۹۷، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۲۵	۲۸۴، ۲۸۵، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۲۱
ویرژینی: ۱۹۳	مصر باستان: ۷۹
ویستون: ۳۰۳	مغولستان؛ مغولها: ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۳، ۲۹۷، ۲۹۹
	مکه: ۹۲، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۳۵، ۱۷۸، ۱۸۰
	۲۶۵، ۳۰۱
هرات: ۵۸، ۳۰۲	ملتان: ۱۴۴
هرمز: ۲۱، ۲۳ تا ۲۵، ۲۷، ۳۳، ۵۱، ۵۲، ۲۳۴	موزامبیک: ۳۰۱
۲۲۰ تا ۲۴۲، ۲۶۳، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۶	موصل: ۲۹۵، ۳۲۱، ۳۲۷
۳۱۰، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۵	موکائو: ۳۱۳
هزار جریب: ۲۱۷ و — باغ شاهی اصفهان	مونپولیه: ۳۰۷، ۳۲۹
هلند؛ هلندی: ۶۴، ۶۵، ۶۹، ۷۰، ۲۵۵، ۳۱۵	مونو: ۱۲۰
۳۲۱ تا ۳۲۳، ۳۲۵	میانه: ۲۲۴
همدان: ۲۵، ۳۳، ۵۱، ۵۲، ۳۰۹، ۳۲۱	میدان اصفهان — میدان شاه اصفهان
هند؛ هندوستان؛ هندی: در صفحه‌های	میدان شاه اصفهان: ۶۸، ۱۶۰، ۲۲۵، ۲۲۹ تا
زیادی آمده است	۲۳۴، ۲۳۲
هند شرقی: ۳۲۵	
هندکان: ۱۲۰	
هویزه: ۱۲۰	
هیرکانی: ۲۹، ۱۰۸ و — مازندران	

ن

ناپل: ۲۱۹

یمکان: ۱۴۶	
یمن: ۱۴۳، ۳۰۲	
یونان؛ یونانی: ۶۰، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۳۳	
۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۹، ۲۸۴	یزد: ۲۹۰، ۴۵، ۵۰، ۵۶ تا ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۱۰۴
۲۹۹	۲۹۹

ی

ادیان، کتب، قبایل و...

آ

آساستیا: ۱۳۳، ۱۳۶ تا ۱۳۸، ۱۴۰ تا ۱۴۲	اشقاقی: ۱۰۸، ۱۱۱
۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷	اعراب: ۱۲۵ و — عرب؛ عربها
آسوری: ۳۰۹	الموتیان: ۱۳۲ و — اسمعیلیان الموت
آشورینا: ۱۲۹	امامیه: ۱۳۱
آیین یهود: ۱۲۹	انجیل: ۱۱۶، ۱۱۷، ۲۹۹، ۳۱۳، ۳۱۴
	اوتیشی: ۱۰۹
	اوگوستین‌ها: ۹۱

الف

ارامنه؛ ارمنی: ۲۵، ۶۳، ۷۹، ۹۱، ۱۰۷ تا ۱۱۴	
۱۱۶، ۱۱۸، ۱۶۴، ۱۸۲، ۲۰۳، ۲۵۸، ۲۷۵	
ازبکها: ۲۲	
اسلام؛ اسلامی: ۹۰، ۹۱، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۳۰	
۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۵، ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۷۷، ۲۱۲	
اسمعیلیان: ۱۳۱ تا ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱	
۱۴۳ تا ۱۴۷ و — فرقه اسمعیلیه	
اسمعیلیان الموت: ۱۳۲	
اسمعیلیان نزاری: ۱۳۸، ۱۴۳ و —	

ت

پازند: ۱۰۳